

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir



سیرتصوف از ایران به هند

دکتر مهدی وهبانی



آیت اشراق

سیرشناسه: دهباشی، مهدی
عنوان و نام پدیدآور: سیر تصوف از ایران به هند / تألیف مهدی دهباشی
مشخصات نشر: قم آیت اشراق، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۷۲-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: تصوف - هند - تاریخ
موضوع: تصوف - ایران - تاریخ
موضوع: تصوف - فرقه‌ها
موضوع: عارفان - سرگذشتنامه
رده‌بندی کنگره: ۲۹۷ / ۹۵۹ د ۹۵۹ BP ۲۷۷
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۸۰۹۵۴ د ۸۲۸
شماره کتابشناسی: ۹۷۵۴۳۸۴



انتشارات آیت اشراق

سیر تصوف

از ایران به هند

■ مؤلف: مهدی دهباشی ■ ناشر: آیت اشراق

■ تیراژ: ۱۰۰۰ ■ نوبت چاپ: اول - ۹۸ ■ جلد: گل وردی

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۷۲-۰ ■ لیتوگرافی: پردیس

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۸۶

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۴۶۵۰ / شماره: ۰۲۵ ۳۷۷۴۹۶۲۸

پیام کوتاه: ۰۹۳۷۳۹۷۱۹۵۴

ayat.eshraq@gmail.com

www.ayateeshraq.com

تمامی حقوق آثار انتشارات آیت اشراق برای ناشر محفوظ بوده.
و کپی از آنها به هر شکلی (دیجیتالی، صوتی، تلخیص و...) ممنوعیت قانونی و شرعی دارد.

فهرست مطالب

۷	بخش اول: پیشگفتار
۱۴	فصل اول: رابطه‌ی تشیع و تصوف ناب
۲۱	فصل دوم: استنتاج بعضی از میانی عرفان اسلامی از کلام امام علی (علیه السلام)
۳۵	فصل سوم: ارکان و نقباء
۳۵	سلمان فارسی
۳۸	ابوذر غفاری
۴۰	عقار یاسر
۴۴	مقداد بن اسود
۴۵	حذیفه بن یمان
۴۹	فصل چهارم: تداوم نهضت تشیع به تبعیت از طریقه‌ی ارکان و امامان شیعه
۶۱	بخش دوم: سیر تصوف در هند و گرایش به فرقه‌های متصوفه
۶۳	فصل اول: سیر تصوف در هند
۶۶	فصل دوم: سلسله چشتیه
۷۳	سنت‌های رایج در میان مشایخ چشتیه:
۷۵	فصل سوم: سلسله قادریه
۷۷	فصل چهارم: سلسله‌ی سهروردیه
۸۴	فصل پنجم: سلسله‌ی کبرویه و گسترش آن توسط میرسید علی همدانی
۹۰	اسرار نقطه

۹۵	فصل ششم: سلسله‌ی نقشبندیه
۱۰۰	وجه تسمیه واژه‌ی نقشبند
۱۰۱	نقشبندیه و تشیع
۱۰۲	اصول سلسله‌ی نقشبندیه
۱۰۳	اصول یازده گانه
۱۱۰	فصل هفتم: شاه نعمت الله ولی مؤسس سلسله‌ی نعمت اللهی
۱۱۹	آثار و رسائل شاه نعمت الله ولی
۱۲۰	تکاتی از تعلیمات عرفانی و ارشادات شاه نعمت الله ولی
۱۲۳	فصل هشتم: شیخ احمد سرهندي (۹۷۲-۱۰۳۶ ه.ق)
۱۲۵	فصل نهم: میرزا القاسم میرفندرسکی
۱۲۸	آثار و تألیفات میرفندرسکی
۱۲۹	افکار و آراء میرفندرسکی
۱۳۰	نبی و حکیم
۱۳۲	تأثیرپذیری میرفندرسکی از عرفان هندی
۱۴۰	فصل دهم: داراشکوه
۱۴۴	آثار و تألیفات داراشکوه
۱۴۵	ترجمه‌ها
۱۴۵	نظریه‌های عرفانی داراشکوه
۱۴۶	عناصر در مکتب ویشیکا
۱۴۷	عناصر از نظر اندیشمندان اسلامی
۱۵۰	عرش اکبر و اثیر (آکاشا)
۱۵۲	عوالم مطبق
۱۵۴	رابطه‌ی عشق و آفرینش و مقایسه‌ی تجلی الهی و مایا
۱۵۹	حقیقت محمدیه هیرانیا گاربا (هسته‌ی جهانی)
۱۶۴	فصل یازدهم: شاه ولی الله دهلوی و اندیشه‌های صوفیانه‌ی او
۱۶۹	مقامات راه کمال
۱۷۵	فصل دوازدهم: مروری به تاریخ تصوف در عصر مغول متاخر
۱۸۵	منابع فارسی، عربی و انگلیسی

بخش اول

پیشگفتار

www.ketab.ir

تصوّف در ادوار مختلف به افشای شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم و بنابر عملکرد فرق مختلف و تعبیر و تفسیر آنها از مبانی و موضوعات آن، ویژگی‌هایی را در ابعاد نظری و علمی به خود اختصاص داده است. دانشمندان اسلامی به ویژه متکلمان معتزلی برای استحکام عقاید خود از علومی که تازه در میان آنها رواج یافته و کلیه‌ی متفکران را به خود جلب نموده بود، استفاده کامل نمودند. با آنکه فرقه‌ی متصوفه به علّت عزلت و زهد و عبادت و ریاضت و ترک قیل و قال دنیا و مدرسه و اعراض از مباحثه و مجادله تا مدت‌زمانی گرایش به این علوم از خود نشان ندادند، ولی از آنجا که بازار بحث و تعلیم و تعلم آن علوم به ویژه علوم یونانی در تمام شهرهای بزرگ اسلامی و مدارس چنان رونق یافته بود بگونه‌ای که در قرن سوم خواه ناخواه به واسطه‌ی ارتباط و معاشرتی که بزرگان صوفیه با اکابر سایر فرق به ویژه با بزرگان شیعه و معتزله و اشاعره داشتند، به تدریج با آن علوم آشنا شدند و همین آشنایی موجب شد تا آن علوم در عقاید و اندیشه‌ها و اعمال آنها تأثیر عمیق بگذارد، به صورتی که تصوف از بساطت اولیه بیرون

آمد و صبغه‌ی علمی و فلسفی به خود گرفت. از جمله‌ی این عوامل مؤثر می‌توان
 طریقه‌ی دانشمندان قدیم ایران یعنی حکمای فهلوی، طریقه‌ی حکمای هند،
 طریقه‌ی سریانیان و طریقه‌ی حکمای اشراقی یونان به ویژه فلوطین را نام برد.

طریقه‌ی دانشمندان قدیم ایران از دو جهت در تصوف اسلامی مؤثر بوده
 است: یکی اشراق از طریق تفکر و دیگر تبیین مطالب به طریق رمز و تمثیل.
 شیوه‌ی اشراق از راه تفکر مسلک حکمای قدیم ایران بوده که در تصوف ایرانی
 صورت دیگری از آن یعنی اشراق از طریق ریاضت رواج یافته است. اشراق از
 طریق ریاضت مسلک حکمای هندی بوده است. قاضی میرحسین میبدی در
 شرح دیوان مسبب به حضرت امام علی علیه السلام نوشته است طریق اشراق برزخی
 است میان تفکر و تصوف و حکمای قدیم ایران همه اشراقی بوده اند. این نکته
 در کتب شیخ اشراق مانند حکمة الاشراق، تارایحات، هیاکل التور و شروح آنها
 و همچنین در شرح منظومه‌ی سبزواری مشهود است. البته در مراحل بعد این
 دو ویژگی تکامل یافت و طریقه‌ی تنکر مراقبه از قرون سوم به بعد از اصول و
 تعلیمات تصوف گردید.

بازتاب طریقه‌ی رمزگویی متصوفه را در آثاری همچون گلشن راز شبستری و
 شرح عبدالرزاق کاشانی بر آن و اصطلاحات شاه نعمت الله ولی، اصطلاحات
 منظوم صفی علیشاه موسوم به بحرالحقایق می‌توان ملاحظه کرد. گرچه افکار
 هندی در اصل تصوف اسلامی اثر نداشته ولی در سیر تکامل تصوف تأثیرات
 معتنا بهی داشته است. از جمله این تأثیرات طریقه‌ی اشراق از راه ریاضت و
 دیگری عقیده‌ی وحدت وجود را می‌توان نام برد. وحدت وجود نیز در بعد علمی
 و فلسفی آن از یونان و در بعد اخلاقی و تربیتی آن از هند وارد تصوف گردید و
 در اسلام حکما به جنبه‌ی علمی و متصوفه به جنبه‌ی اخلاقی آن پرداختند.

حکمای اسلامی مسائلی را از این نظریه متفرع ساختند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به مسأله «اصالت وجود»، «اشتراک معنوی وجود» و قاعده‌ی «بسیط الحقیقه» ملاصدرا اشاره کرد.

مهم‌ترین مسئله‌ی‌ی که متصوفه از سریانیان فرار گرفتند مسئله‌ی تطبیق عالم صغیر با عالم کبیر و به عبارتی تطبیق اعضاء و قوای انسان با عناصر و ارکان و اجزاء عالم بوده است. به علاوه سریانیان بزرگترین گروه مترجمان علوم یونانی به عربی بودند و این ترجمه‌ها که از فلسفه‌ی یونان صورت گرفته بود در افکار متصوفه و متکلمان تأثیر فراوان داشته است. از جمله مسائلی که از ابن دیصان و شاگرد او، ابوشامرد صانی، نقل شده و در فلسفه و کلام و تصوف مطرح گردیده عبارتند از: معاد روحانی، جسم مثالی، قضا و قدر، نفس و کیفیت ترکیب روح و جسم و ...

حکمای اسلامی اعم از مشائی و اشراقی به پیروی از صوفیه علاوه بر بحث درباره‌ی وحدت وجود، عشق و جمال حقیقی به تطبیق عالم اصغر با عالم اکبر توجهی ویژه از خود نشان دادند. شیخ اشراق در کتاب تلویحات و فرقه‌ی اسماعیلیه از فرق شیعه به طور مبسوط به این مسئله پرداخته اند و بالاخره نباید نقش افکار افلاطون، افلاطونیان جدید به ویژه آمبرزیوس ساکاس و فلوطین را در عرفان و تصوف و حکمت اسلامی نادیده گرفت. در میان مسلمانان فلوطین با نام شیخ یونانی رقم خورده است.

فلسفه‌ی فلوطین توسط گروهی از حکما و معتزلیان و صوفیان وارد اسلام شد و اخوان الصفا نیز مایه‌های فکری خود را از او اخذ کرده اند. از عقاید فلوطین عقیده‌ی وحدت وجود و قوس نزول و صعود و عشق در اندیشه‌ی متصوفان

اسلامی تأثیر فراوان داشته است. از نظر او عشق تام یا حکمت آن است که به ماورای زیبایی و صورت نظر دارد یعنی به اصل و منشأ آن خیر و نیکویی است که مصدر کل صور و همه‌ی موجودات و فوق آنها و مبدع آنهاست.

از طرفی فلاسفه‌ی مسلمان با تأثر از این آراء در طرح مسائل فلسفی و حکمی خود محور اصلی را وفاق فلسفه با دین قرار دادند. به همین جهت ضمن بیان مباحث هستی‌شناسی خود به تطبیق عالم تکوین و تشریع و عالم اصغر و اکبر پرداختند و برای اندیشمندان و حکمای اسلامی ایجاد می‌کرد تا در ضمن تطبیق عالم تکوین و تشریع به مسئله مهم وحی و نبوت و ولایت بپردازند. به همین جهت از فارابی گفته‌ام ملاصدرا «فلسفه‌ی نبوی» که روح هستی‌شناسی حکمی و عرفانی در اسلام است، در متن مباحث فلسفی قرار گرفت و حکما به صور مختلف بدان پرداختند. چرا که وقتی می‌توان فهمید منظور از حکمت در اسلام چیست که تصوف از جنبه‌های گوناگون آن چه از نظر روحانی و باطنی، چه از نظر جنبه‌ی الهیات نظری که ریشه در تعلیمات باطنی شیعه دارد، مورد مطالعه قرار گیرد. براین اساس بود که در میان حکمای اسلامی همچون فارابی، ابن سینا و شیخ اشراق و ملاصدرا پژوهش‌های حکمی با اشراق و تجارب روحانی و باطنی شهودات عرفانی در آمیخت و کشف و شهود با برهان و قرآن عجین شد و سرانجام حکمت متعالیه ملاصدرا را به ارمغان آورد. شرایط اجتماع حاکم در دوره‌ی صفویه اقتضاء می‌کرد تا حکمای الهی در مقابل علمای شریعت بدین شیوه در قلمرو حکمت سیر و سلوک نمایند تا کمتر در معرض نقد قرار گیرند. ملاصدرا نیز در اسفار و کتب خود بر تلازم کشف و برهان همچون سلف خود شیخ اشراق تأکید می‌نماید و اظهار می‌دارد: «مجرد شهود بدون برهان برای سالک کافی نیست، چه اینکه صرف بحث بدون کشف نقصانی عظیم است.»

از آنجا که روایات و سخنان نبی اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ از گنجینه‌های وحی سرچشمه گرفته مشحون از عالی‌ترین تفسیر و تبیین کلام الهی و حاکی از مبانی عمیق دین مبین اسلام است. به همین جهت از آغاز گرایش‌های عرفانی در صدر اسلام به بعد ما شاهد بازتاب اندیشه‌های ناب در متون نثر و نظم ادب عرفانی ایرانی و عربی هستیم و همچنان در طول قرون این سخنان گهربار زینت بخش مبانی نظری اندیشمندان و عرفا و متصوفه و سرلوحه اصول عرفانی فرق متصرفه شیعه و حقه سنی بوده و خواهد بود.

براین اساس تصوف هندی نیز از گنجینه‌های تشیع بی‌نصیب نمانده و همان‌طور که در این اثر مشهود است اکثر فرق متصوفه در هند خود از زمره سادات و پیروان اهل بیت عصمت ﷺ بوده‌اند. برای نمونه به نقل از نویسنده سیرالآقطاب مشایخ چشت از سادات صحیح‌النسب بوده همچنان که نسب ابواحمد چشتی به حضرت امام حسن ﷺ و نسب حواجه یوسف چشتی به امام حسین ﷺ منتهی می‌گردد. همین‌طور سید عبدالقادر جیلانی از سادات حسینی است. گرایش به تشیع در فرقه نقشبندی و آثار نجم‌الدین کبری بنیانگذار فرقه کبرویه و میرسید علی همدانی دیگران قابل تأمل است و مسکن از تعلیمات امامان معصوم ﷺ در اندیشه‌های عرفانی خود بهره جسته‌اند به همین جهت نویسنده لازم دید قبل از ورود به تبیین سیرتصوف از ایران به هند در پیرو همبستگی تصوف ناب و تشیع به اجمال درباره نتایج حاصل از این همبستگی که از امامان معصوم ﷺ سرچشمه گرفته، تحلیلی مستند داشته باشد.